

متن پرسش

با سلام: استاد عزیز با تشکر از مطالب بسیار راه گشایتان. سوالم در مورد بحث حضور تاریخی است که شاید سوال کردن در این مورد درست نباشد، اما خواستم ببینم این برداشت بنده صحیح است یا باید اصلاح بشه. ممنون ۱. یک دستگاه فکری یا یک روح با تمام جهات و ابزارش زندگی را به بن بست رسانده و یا حداقل آینده ی روشنی برای آن متصور نیست (مثلا تمدن غرب)، حال از دل همین بن بست ها و اضطراری که ایجاد می شود، ظرفیتی حاصل شده که خداوند سمیع، طبق آن راهی مثل اسلام و انقلاب اسلامی را که قابلیت ورود و حل تمام مشکلات و بن بست های قبلی را دارد، به ظهور می رساند، حال این راه که یک روح یا تفکر است، را تاریخ جدید یا تاریخ ساز جدید گویند، حال به میزانی که هرکس از گذشته بریده و با سبک راه حل جدید زندگی کند در تاریخ جدید وارد شده و حضور تاریخی دارد. ۲. آیا ظهور ادیان مختلف در زمان پیامبران مختلف را می توان اینگونه تحلیل کرد؟ ۳. در مورد فهم حال و احوالی که بر افرادی مثل قوم ایمان آورنده ی به حضرت موسی یا بالاخص ساحران مومن به او، یا حواریون حضرت عیسی، یا صحابه پیامبر یا حر ریاحی می گذرد، چقدر می توان گفت که آنها همواره با بد فهمی ها و افراط و تفریط روزگاران خود نسبت و فاصله ای تعریف کردند و تسلیم نبودند و منتظر بودند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. بحمدالله بسیار خوب و عالی متوجه حضور تاریخی شده اید. و از آن جایی که در دل همان بن بست ها راهی ظهور می کند؛ ما به کلی از گذشته منقطع نمی شویم بلکه متوجه امکانات حضور خود در آینده می گردیم. ۲. به نظر بنده همین طور است. ۳. همین طور است. وقتی از طرف خداوند افقی گشوده شود، انسان بودن خود را در گرو حضور در آینده معنا می کند. اخیراً در جلسه چهل و ششم «در راستای بنیان های حکمت حضور در جهانی بین دو جهان»

[Fhttps://eitaa.com/khanehtolab/۳۱۰](https://eitaa.com/khanehtolab/۳۱۰)

در این مورد نکاتی عرض شده است. فکر می کنم می تواند راه گشایی در رابطه با «تفکر» باشد. موفق باشید

